



Examining Qur'anic and Narrative Evidence for the Rights of Future Generations

Mostafa Karamipour ¹

Abstract

The rights of future generations, as a key component of intergenerational justice, are grounded in the principle of preserving natural resources and ensuring their equitable transfer to coming generations. This study investigates the extent to which the Noble Qur'an and the narrations of the Ahl al-Bayt (AS) address the rights of future generations, given that the unchecked exploitation of natural resources has created extensive environmental and social challenges for both present and future generations alike. Employing a descriptive-analytical method and relying on the analysis of Qur'anic and narrative texts, the findings indicate that numerous verses of the Qur'an, through universal addresses (*khiṭābāt 'āmmah*) and categorical propositions (*qaḍāyā ḥaqīqiyyah*), emphasize the collective ownership of divine resources for all generations - both present and future. Likewise, the narrations of the Ahl al-Bayt (AS) explicitly refer to the preservation of the rights of future generations. These findings demonstrate that religious foundations can serve as a robust basis for the development of protective legal frameworks at both national and international levels concerning the rights of future generations.

Keywords: Rights, Future Generations, Intergenerational Justice, The Noble Qur'an, Narrations of the Ahl al-Bayt (AS).

Citation: Karamipour, M. (2026). "Examining Qur'anic and Narrative Evidence for the Rights of Future Generations". *Narrative Qur'anic Research*, 2 (2), 108-124. (In Persian)

* Received: 2026/01/28, Revised: 2026/03/29, Accepted: 2026/05/05.

1. Assistant Professor, Department of Law, Allameh Askari International University, Qom, Iran.
Corresponding Author Email: Karamipour@aaiu.ac.ir.





بررسی مستندات قرآنی و روایی حقوق نسل های آینده

مصطفی کرمی پور^۱

چکیده

حقوق نسل های آینده، به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی عدالت بین نسلی، بر اصل حفاظت از منابع طبیعی و انتقال عادلانه آن به نسل های آتی استوار است. هدف این پژوهش، بررسی میزان توجه قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به حقوق نسل های آینده است؛ زیرا بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی، چالش های زیست محیطی و اجتماعی گسترده ای را برای نسل های کنونی و آتی پدید آورده است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر تحلیل متون قرآنی و روایی انجام شده و یافته ها نشان می دهند که آیات متعددی از قرآن کریم، با خطابات عام و قضایای حقیقی، بر مالکیت همگانی منابع الهی برای همه نسل ها اعم از نسل کنونی و نسل آینده تأکید دارند و روایات اهل بیت علیهم السلام نیز صراحتاً به حفظ حقوق نسل های آینده اشاره دارند. این نتایج بیانگر آن است که مبانی دینی، می توانند پشتوانه ای مستحکم برای توسعه مقررات حمایتی در سطح ملی و بین المللی نسبت به حقوق نسل های آینده فراهم کنند.

واژگان کلیدی: حقوق، نسل های آینده، عدالت بین نسلی، قرآن کریم، روایات اهل بیت علیهم السلام.

استاد: کرمی پور، مصطفی (۱۴۰۵). «بررسی مستندات قرآنی و روایی حقوق نسل های آینده». قرآن پژوهی روایی، ۲ (۲)، ۱۰۸-۱۲۴.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه بین المللی علامه عسکری علیه السلام، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Karamipour@aaiu.ac.ir.



۱- بیان مسئله

با نگاهی به متون دینی و آیات قرآن، آشکار می‌شود که نسل‌های آینده دارای حقوقی هستند که در دین اسلام به آن سفارش شده است. تلاش جهت حفظ و حمایت از این حقوق برای بهره‌مندی بشر، مورد اهتمام اسلام است. دین اسلام، همان‌طور که به زندگی و سبک زندگی انسان توجه دارد، به محیط زندگی او و نسل‌های آینده وی نیز توجه خاصی نشان داده است. آیات متعددی در قرآن کریم و روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که به رعایت حقوق نسل‌های آینده اشاره دارد و با ارزش قائل شدن برای طبیعت، موجودات و کائنات، انسان را موظف می‌کند در کنار وظایف عبادی و اجتماعی خود، توجه خاصی به رعایت و حفظ این حقوق داشته باشد. برخی از این حقوق را بدون توجه به جهان‌بینی الهی، نمی‌توان به‌درستی تفسیر و تبیین نمود. برای مثال، این ایده که آیندگان نیز حقی دارند و انسان در برابر نسل‌های آینده مسئول است، جز با نگرش الهی قابل تبیین نیست. پرسش‌هایی مانند اینکه نسل آینده‌ای که هنوز به دنیا نیامده است، چه حقی بر گردن انسان‌های عصر حاضر دارد و چرا باید در برابر آن‌ها احساس مسئولیت کرد، تنها با توجه به اعتقاد به خدا و هدف‌دار بودن خلقت، قابل پاسخ‌گویی است. بر اساس این دیدگاه، دستگاه خلقت بر اساس غایت‌داری موجودات، همه افراد را به یکدیگر مرتبط ساخته و این، خداوند است که حق‌هایی را بر عهده افراد نهاده و در مقابل هر حق، تکلیفی را مشخص کرده است. به بیان دیگر «مسئولیت نسل‌های آینده بر این اساس است که دنیا نظام حکیمانه‌ای دارد و این خلقت، به‌سوی هدف‌هایی پیش می‌رود و حق را خود خلقت به وجود آورده است و آن‌وقت ما در مقابل خلقت مسئولیت داریم» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۴۰). با توجه به این مبانی، پرسش‌های زیر مطرح می‌شوند:

۱. چه آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که به حقوق نسل‌های آینده بشر توجه داشته باشد؟
۲. در روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، چه میزان به حقوق نسل‌های آینده پرداخته شده است؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق است.

۲- پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این موضوع، باید اظهار داشت تحقیقی که به‌صورت مستقل به حقوق نسل‌های آینده در قرآن کریم و روایات پردازد، وجود ندارد. اغلب پژوهش‌های انجام‌شده، به بررسی حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی و محیط زیست پرداخته‌اند، مانند مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت دین و محیط زیست» که توسط عزیزالله فهیمی نگارش شده و به اهمیت محیط زیست و حفظ آن از دیدگاه اسلام پرداخته است. مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی عدالت به‌عنوان مبنای حقوق نسل‌های آینده» توسط مهدی فیروزی به قلم تحریر درآمده که در این پژوهش، حقوق نسل‌های آینده از بُعد عدالت تکوینی و تشریعی بررسی شده است. مقاله دیگری تحت عنوان «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست» توسط سیدعباس پوره‌اشمی نگاشته شده که به حقوق محیط زیست در اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور پرداخته است و پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «حقوق نسل‌های آینده از منابع حیاتی از منظر

فقه و حقوق اسلام» توسط سید محمود هل اتایی به نگارش درآمده که به موضوعاتی مانند نظریه خطابات قانونی، وقف، وصیت و ارث پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع و نپرداختن به آن و استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و عدم توجه به استفاده صحیح و اصولی و سهل‌انگاری در حفاظت از این منابع، ضرورت پژوهش در این زمینه، دوچندان می‌شود. بنابراین در این پژوهش، جایگاه حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- مفهوم‌شناسی

واژگان «نسل» و «حقوق» در اصطلاح «حقوق نسل‌های آینده» مفاهیم اصلی و محوری هستند که تبیین و تحلیل این مفاهیم، می‌تواند به برداشت‌های صحیح از ابعاد مختلف موضوع کمک شایانی نماید. بنابراین در ادامه به بیان معانی این واژگان پرداخته شده است.

۳-۱- مفهوم لغوی «نسل»

واژه «نسل» عربی و از نوع مصدر است که در معنای اسم مفعول به‌کار رفته است (عکبری، ۱۳۱۹ق، ص ۵۳). این واژه به‌معنای انفصال و جدا شدن از چیزی نیز آمده و در قرآن هم، به همین معنا ذکر شده است: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (یس: ۵۱). «نسل» به فرزند و اولاد نیز از آن جهت که از والدین خود جدا می‌شوند اطلاق می‌گردد (طریحی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰). همچنین در آیاتی از قرآن کریم، واژه نسل به‌معنای فرزند و ذریه بیان شده است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۴۷)؛ مانند آیه «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵)؛ مراغی و فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۴۷). همچنین در روایات منقول از ائمه اطهار علیهم‌السلام، که در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره بقره وارد شده نیز این واژه به‌معنای فرزند و ذریه بیان شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «فَقَالَ النَّسْلُ أَوْلَدُ وَ الْحَرْثُ الْأَرْضُ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَرْثُ الذُّرِّيَّةُ»؛ منظور از «نسل» ولد، و «حرث» زمین است و در جایی دیگر فرموده‌اند: «حرث همان فرزندان است» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۱۸۹).

۳-۲- مفهوم اصطلاحی «نسل»

واژه «نسل» زمانی که با شجره‌نامه خاصی مرتبط باشد، معنای روشنی دارد، اما هنگامی که چشم‌انداز انتزاعی آن فراتر از چارچوب خانواده قرار گیرد، دارای معنای مبهمی خواهد بود. یک روش مجزا برای انتزاعی کردن این اصطلاح، این است که گروه مردم برحسب دسته‌های مرتبط با آمار و جمعیت‌شناسی، نسل حاضر هستند (معین، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۳۹۵). به تعبیر دیگر، اصطلاح نسل‌های آینده به تمام افراد متولد نشده آینده، با یک محدوده جغرافیایی خاص اشاره دارد (معین، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۳۹۵).

۳-۳- مفهوم لغوی «حقوق»

حقوق، واژه عربی و جمع «حق» است و در لغت، معانی متعددی برای آن از سوی لغت‌شناسان بیان شده که از آن جمله در قاموس اللغة به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت آمده است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۴۵؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۳). همچنین به معنای وجود مطلق، یعنی ذات اقدس باری تعالی آمده است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۶۸۳). راغب اصفهانی می‌گوید: حق در اصل، به معنای موافقت و مطابقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۵).

۳-۴- مفهوم اصطلاحی «حقوق»

حقوقدانان برای واژه حقوق، معانی متعددی را ذکر کرده‌اند که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:
الف) حقوق، عبارت است از مجموع مقرراتی که برای اشخاص، از این جهت که در جامعه هستند، حکومت می‌کند.

ب) گاهی مقصود از واژه حقوق، علمی خاص است، یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد. مانند: حقوق جزا و حقوق مدنی. شایع‌ترین موارد استعمال حقوق، به همین معنا است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷).

همچنین در کتاب‌های فقهی نیز تعاریف متعددی برای واژه «حق» از سوی فقها بیان شده است. شیخ انصاری در مکاسب، آن را نحوه‌ای توانایی و سلطه می‌شناسد (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۲۱۴). در حقیقت صاحب حق، قدرت و توانایی تصرف و بهره‌برداری از مورد حق و یا ترک آن را دارد. برخی نیز آن را به مرتبه ضعیفی از ملک تعبیر کرده‌اند (یزدی، ۲۰۱۲، ج ۲، ص ۳۶۸).

حقوق نسل‌های آینده، حقوقی است که به سبب آن، منافع یک نسل اعم از طبیعی و غیر آن، که از گذشتگان به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل می‌شود. صیانت از این حقوق، به عنوان یک ضرورت تلقی شده و مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان‌آور و غیرقابل جبران است.

۴- تعلق طبیعت و مواهب الهی به نسل فعلی و نسل آینده

در ابتدا لازم است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا این طبیعت و نعمت‌های موجود در آن، متعلق به نسل فعلی است یا اینکه مشترک برای نسل فعلی و نسل آینده است؟ نسل فعلی تا چه میزان می‌تواند از این منابع خدادادی استفاده نماید؟ نعمت‌های الهی بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل برای همه انسان‌ها آفریده شده‌اند. طبیعت و منابع موجود در آن، متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌هاست و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است؛ از این رو، هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود نداشته و هیچ نسلی در استفاده از آن بر دیگر نسل‌ها ترجیح ندارد و تقدّم یک نسل بر نسل دیگر، دلیلی بر اولویت آنان در بهره‌برداری از منابع موجود و فعلی نیست. در دین مبین اسلام، اولویت و برتری برای فرد و گروهی نسبت به دیگران نیست و همه در برابر حق خود مساوی‌اند.

و نمی‌توان مواهب الهی را در انحصار گروه یا فردی خاص قرار داد. رهبر انقلاب اسلامی در پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست در این زمینه یادآور شدند: «خداوند زمین را برای همه انسان‌ها آفریده است، متعلق به بعضی نیست، بعضی حق بیشتری از بعضی دیگر ندارند و متعلق به نسلی دون نسلی نیست، امروز متعلق به شماست؛ فردا به فرزندان شما، نوه‌های شما، دودمان شما تا آخر تعلق دارد. در حقیقت، هدف متعالی اسلام، برخورداری ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی را برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و تقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، وبسایت WWW.KHAMENI.IR). به تعبیر دیگر، طبیعت از دیدگاه اصولی و به سبب ماهیت وجودی‌اش، به تمام انسان‌ها و تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌اندازی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود. هرکسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد، وظیفه دارد دست‌کم همان قدر سرمایه را برگرداند (هوفه، ۱۳۸۸، ص ۹۰). همان‌گونه که پدر و مادر برای فرزندان خود ارث باقی می‌گذارند، هر نسلی هم موظف به واگذاری میراث‌های ارزشمند و از آن جمله طبیعت سالم و زمین پربار برای نسل بعدی خویش است. اما حقیقت این است که انسان اکنون در موقعیت وارونه‌ای به سر می‌برد. مخارج و هزینه‌های نظام درمانی، بیمه‌بازنشستگی، وام‌ها و بدهی‌های ملی سیر فزاینده‌ای را نشان می‌دهند. از سرمایه‌گذاری در بخش‌های آینده‌ساز آموزش و پرورش و صنایع پایه‌ای کاسته می‌شود. چنین وضعی درباره نسل‌های آینده به‌طور کامل، غیرمسئولانه و ناعادلانه عمل می‌کند (همان). بنابراین بهره‌برداری از منابع طبیعی به‌گونه‌ای که موجب ضرر و زیان یا محرومیت دیگران از آن شود، جایز نیست و این منابع به‌طور یکسان و مساوی، حق همه مردم است؛ اعم از اینکه بالفعل موجود هستند یا در آینده به وجود می‌آیند. به‌عنوان نمونه، هیچ‌کس حق ندارد هوای پاک که دیگران استنشاق می‌کنند را آلوده و آن را با گازهای مضر مخلوط کند، یا آب دریاها و رودخانه‌ها را با فاضلاب یا دیگر آب‌های ناپاک، آلوده نماید یا زمین را با زباله آلوده کند یا با انجام آزمایش‌های هسته‌ای و شیمیایی امنیت و سلامت انسان را به خطر بیندازد؛ زیرا نسل‌های آینده نیز بر منابع طبیعی که خداوند به بشر عطا کرده، حق دارند و همه در قبال این حق مسئول هستند. درست است که نسل‌های آینده اکنون وجود ندارند، اما شریعت الهی در این منابع حقی را برای آن‌ها مقرر کرده است و در این حق با نسل معاصر شریک هستند و باید حقوق آنان رعایت گردد (منتظری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳). بدیهی است که منظور از رعایت حقوق نسل‌های آینده، به‌منزله عدم استفاده نسل فعلی از مواهب الهی نیست؛ بلکه منظور، استفاده و بهره‌برداری صحیح و اصولی از مواهب الهی است؛ به‌طوری که حقوق هر دو نسل به نحو احسن تضمین گردد.

۵- آیات دال بر حقوق نسل‌های آینده

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است و از آنجا که به‌صورت قضایای حقیقی مطرح شده‌اند، شامل نسل‌های آینده نیز می‌شود. قضیه حقیقیه، قضیه‌ای است که در آن، حکم بر

کلیه مکلفان وضع و بر خود طبیعت بار شده است و این قابلیت را دارد که بر هر فرد و مصداق خارجی صدق کند (خمینی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۱۶). در این قضایا، حکم به افراد مفروض‌الموجود با وصفی مشخص تعلق گرفته است؛ یعنی هم شامل افرادی می‌شود که آن وصف را دارند و در زمان صدور حکم وجود دارند و هم شامل اشخاصی می‌شود که در آینده به وجود می‌آیند و واجد آن وصف خواهد بود (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۰). به تعبیر دیگر، قضیه حقیقه، قضیه‌ای است که موضوع آن مطلق افراد طبیعت است؛ چه آنان که بالفعل موجودند و چه آنان که در آینده وجود پیدا می‌کنند. مثل مستطیع که حج بر آن واجب است و منظور از آن، هر فرد از افراد مستطیع است که شامل افراد محقق‌الوجود و مقدر‌الوجود می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۷۰؛ صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱-۱۲). فقها و اصولیون نیز معتقدند غالب احکام شرعی به صورت قضایای حقیقی هستند؛ به غیر از خصائص‌النبی که قضیه خارجی و مختص پیامبر اکرم ﷺ است (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۴۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۲). به علاوه، خطابات قرآنی و شرعی بر دو دسته هستند: (۱) خطاب شخصی که حکم برای طایفه و گروه خاصی بیان شده یا فرد خاصی از میان مکلفین منظور است، مثل خطاب به حضرت موسی ﷺ: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه: ۲۴) (موسوی سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۳)؛ یا خطاب به پیامبر اکرم ﷺ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده: ۶۷). (۲) خطاب کلی که حکم به طور کلی بیان شده و اختصاص به شخص یا طایفه خاصی ندارد، مانند اینکه شارع مقدس فرموده است: «كُلُّ مُسْتَطِيعٍ يَجِبُ عَلَيْهِ الْحَجُّ» یا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» یا «يَا أَيُّهَا النَّاسُ». در این قسم حکم روی عنوان کلی قرار گرفته است که در محدوده این عنوان، فرد یا گروه خاصی مدنظر شارع نیست (موسوی سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۳). ملاک در صحت آن نیز امکان انبعاث و حرکت به سوی امثال از جانب گروهی از مخاطبان است و نه کلیه مخاطبان. مانند اوامر الهی که شامل افرادی که منبعث نمی‌شوند، مثل کفار و گناهکاران نیز می‌گردد. در قوانین عرفی نیز به همین صورت است و شامل مجرمین و قانون‌گريزها می‌شود (گروه پژوهش مرکز اطلاعات و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۳). خطاب آیات مذکور به صورت کلی است که علاوه بر موجودین، شامل معدومین که نسل‌های آینده هستند نیز می‌شود. پس در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به رعایت حقوق نسل‌های آینده بشری دلالت دارند. این آیات فراوان‌اند و در ادامه برخی از آن‌ها ذکر خواهند شد.

الف) آیه ۲۹ سوره بقره: اولین آیه ناظر به حقوق نسل‌های آینده، آیه ۲۹ سوره بقره است که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)؛ او خدایی است که همه آنچه از نعمت‌ها که در زمین وجود دارد را برای شما آفریده است. این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها به‌ویژه نسل‌های آینده صورت پذیرد. هیچ آفریده‌ای در طبیعت بیهوده نیست، هرچند انسان راه استفاده از آن را نداند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۷).

صدر و ذیل آیه، شامل همه انتفاعات دینی، دنیوی و اخروی بشر است. غرض از آن، بیان دفع اشکالی است که بعضی از معاندین نموده و گفته‌اند بسیاری از مخلوقات دریایی و صحرایی هستند که هیچ منفعتی برای انسان ندارند و چه بسا مورث ضرر هم می‌شوند و با جمله «خَلَقَ لَكُمْ» که مفاد آن انتفاع بشر از جمیع مخلوقات زمینی است منافات دارد. جواب این است که اولاً انتفاع بشر - چنانچه ذکر شد - منحصر به انتفاعات دنیوی نیست؛ و ثانیاً درک نکردن و نرسیدن به منافع یک مخلوق، دلیل بر عدم منفعت آن نیست و چه بسا منافعی دارد که هنوز عقل بشر کشف ننموده است، چنانکه بسیاری از مخلوقاتی را که بشر امروز منافع آن‌ها را درک می‌کند، بشر دیروز بدان پی نبرده بود. تقدیم کلمه «لَكُمْ» افاده حصر می‌کند که اصل غرض از آفرینش انتفاع بشر است، چنانکه مفاد بسیاری از آیات و اخبار چنین است و ضمیر «كُمْ» نیز خطاب به جمیع افراد بشر است (طیب، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۹۲).

ب) آیه ۱۰ سورة اعراف: دومین آیه در سورة اعراف بیان شده است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ﴾ (اعراف: ۱۰)؛ شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسایل معیشت شما را در آن فراهم کردیم. این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که برای انسان، اعم از نسل حاضر و نسل آینده روی زمین قرار دارد، تا آنجا که در آن، وسایل زندگی او فراهم گردیده است. طبق این آیه، حق بهره‌گیری از امکانات زمین، برای همه انسان‌هاست و مخصوص گروه خاصی نیست و یادآوری و توجه به نعمت‌های الهی، زمینه شکوفایی معرفت، محبت و تسلیم خدا شدن است (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۲۶). مقام با عظمت انسان در جهان هستی! به دنبال آیاتی که اشاره به مبدأ و معاد در آن‌ها شده بود، در این آیه و آیات بعد، «انسان» و عظمت و اهمیت مقام او و چگونگی آفرینش او و افتخاراتی که خداوند به او داده، مورد بحث قرار داده، می‌فرماید: «ما مالکیت و حکومت، و تسلط شما را بر زمین، مقرر داشتیم و انواع وسایل زندگی را برای شما در آن قرار دادیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۷). بنابراین با استدلال از آیات مذکور، خداوند متعال، انسان را به عنوان مالک نعمت‌ها و جانشین خود در روی زمین معرفی کرده است که بتواند از امکانات خدادادی استفاده نمایند، لکن منوط به این است که افراد در استفاده از نعمت‌های الهی از حدود اعتدال خارج نشوند و از اسراف دوری نمایند و حقوق نسل‌های آینده را رعایت نمایند و به عنوان امانت، نعمت‌های الهی را به آیندگان منتقل نمایند، ولی بدین معنا نیست که نسل فعلی، حق استفاده از منابع طبیعی را نداشته باشند، بلکه حق بهره‌برداری از منابع را دارند و فقط مکلف به جلوگیری از تخریب و تضييع حقوق آیندگان هستند.

درکنار آیات قرآن کریم، سنت ائمه علیهم‌السلام، به مقوله حفظ و حمایت از حقوق نسل‌های آینده عنایت ویژه داشته و روح کلی روایات نیز، بر ایجاد حس مسئولیت، رعایت عدالت و امانتداری در برابر پدیده‌های طبیعی و موجودات پیرامون تأکید نموده است. در برخی از احادیث، کیفیت تعامل با حیوانات، درختان، گیاهان و غیره بیان شده است. به عنوان نمونه، امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ای از نهج البلاغه فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵).

در روایتی از امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل در خصوص امکانات زمین و وسایل معیشت آمده است: «ای مفضل! به معادن و اشیاء گران‌بهایی که از آن‌ها خارج می‌شود، مانند گچ، آهک، سنگ گچ، انواع زرنیخ، مردار سنگ، قلع، جیوه، مس، سرب، نقره، طلا، زبرجد، یاقوت، زمرد و انواع سنگ‌ها بیندیش. همچنین به قیر، مومیا، گوگرد، نفت و سایر چیزهایی که مردم در نیازمندی‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند، بنگر. آیا بر هیچ عاقلی پوشیده است که همه این‌ها ذخائری هستند که برای انسان در زمین ذخیره شده‌اند تا آن‌ها را استخراج کند و هنگام نیاز مورد استفاده قرار بدهد؟» (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۱۸۶).

در این حدیث، به برخی از ذخایر طبیعی مانند طلا، مس، نقره، زمرد و ... که از معادن خارج می‌شود، اشاره شده است. وجه استدلال به حدیث فوق، بدین صورت است که برخی از کلمات به‌کاررفته در حدیث، در رابطه با استعمال نسل‌های آینده نیز هست. برای نمونه، در بخشی از این حدیث که عبارت «يَسْتَعْمِلُهُ النَّاسُ فِي مَآرِبِهِمْ» ذکر شده است، واژه ناس مطلق است و به همه مردم در هر عصری دلالت دارد و از طرفی «الف و لام» آن نیز از نوع جنس است که شامل عموم مردم، اعم از موجودین و معدومین می‌شود. همچنین عبارت «فِي مَآرِبِهِمْ» ناظر بر این است که مردم در نیازمندی‌هایشان از این ذخایر استفاده نمایند. بنابراین، اولاً، لازم است استفاده از ذخایر در هنگام نیاز باشد و بیش از نیاز جایز نیست. ثانیاً، این نیاز همان‌طور که برای نسل فعلی وجود دارد برای نسل آینده نیز قابل تصور و امکان آن میسر است. عبارت «ذُخِرَتْ لِلْإِنْسَانِ»، «فِي هَذِهِ الْأَرْضِ»، «لِيَسْتَخْرِجَهَا»، «فَيَسْتَعْمِلَهَا» و «عِنْدَ الْحَاجَةِ» ناظر به بحث مورد نظر است (منتظری، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸). منظور از «ذُخِرَتْ لِلْإِنْسَانِ» آن است که این ذخایر برای همه انسان‌ها ذخیره شده است و به این دلیل که به مطلق انسان‌ها اشاره کرده، شامل تمام انسان‌های زمین، اعم از نسل حاضر و آینده می‌شود. در نتیجه، استخراج و استفاده برای کلیه نسل‌های بشری مجاز است. همچنین نسل فعلی نیز فقط در زمان نیاز، مجاز به استخراج و استفاده از آن است و نباید بیش از نیاز خود از این ذخایر بهره‌برداری نماید و نیازهای نسل آینده را نادیده انگارد؛ چراکه در این حدیث، دلیلی بر اینکه نسل کنونی تنها حق استخراج از این ذخایر را داشته و یا نسل‌های آینده حق بهره‌برداری ندارند، وجود ندارد. حدیث مزبور به‌طور مطلق، حق استخراج و بهره‌برداری را برای انسان مجاز می‌داند؛ اما مشروط به اینکه مازاد از نیاز و عامل تضییع حقوق نسل‌های آینده نباشد. از طرفی حدیث مذکور، به‌صورت قضیه حقیقه بیان شده است و در قضایای حقیقه چیزی که اهمیت دارد، عنوان و طبیعت آن بدون در نظر گرفتن افراد خارجی است و شامل افراد معدوم نیز می‌شود. اصل در آموزه‌های دینی به‌ویژه در قرآن و روایات، قضایای حقیقی است؛ مگر اینکه خارجی بودن آن اثبات گردد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۷۸). در عبارت «مَا نَحْنُ فِيهِ»، با توجه به اینکه ذخایر طبیعی برای نیاز انسان‌ها اشاره شده و حکم آن نیز کلی است و اختصاص به گروهی خاص ندارد، قضیه حقیقی بودن آن اثبات می‌شود. اغلب روایات معصومان علیهم السلام به‌صورت قضایای حقیقه هستند که مضمون آن برای همگان حجت است و اختصاصی دانستن آن به گروه خاصی نیازمند دلیل خاص و ثانویه بوده که در اینجا

مفقود است؛ بنابراین، روایت فوق یک حکم کلی را برای استخراج ذخایر در هنگام نیاز بیان نموده است که شامل نسل‌های آینده نیز می‌شود.

ج) آیه ۱۰ سورة الرحمن: آیه دیگر در سورة الرحمن ذکر شده است: ﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ (الرحمن: ۱۰)؛ (خداوند) زمین را برای همگان قرارداد.

بر مبنای این آیه کریمه، زمین، حق همگانی است و همه انسان‌ها حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود؛ زیرا خداوند متعال زمین را برای تمام انسان‌ها خلق نموده و ظرفیت زندگی همه انسان‌ها را روی زمین لحاظ نموده است. بنابراین، نسل فعلی نباید ظرفیت زندگی نسل‌های آینده را از بین ببرد.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۸۳).

بر اساس آیه ۱۰ سورة انعام، خداوند متعال، زمین را قرار داد و بگسترانید برای آدمیان تا بر آن قرار گیرند، یا برای هر ذی‌روحه که بر روی آن است از جن و انس و سایر حیوانات از پرند و درنده اهلی و وحشی قرار داد، چراکه زمین مانند مهدی است که بر روی آن نشینند و بخوابند و برخیزند و به ما محتاج خود قیام کنند. طبق آیه مذکور، زمین نه تنها برای همه انسان‌هاست، بلکه برای تمام جانداران و هر صاحب روح، اعم از حیوان و انسان بوده و خطابات قرآن کریم، متعلق به نسلی دون نسلی دیگر نیست و شامل تمام انسان‌ها، اعم از موجودین و معدومین است و زمین برای همه انسان‌ها در تمام اعصار و نسل‌ها بوده و آیه اختصاص به نسل خاصی ندارد و هر نسلی حق بهره‌برداری از زمین دارد ولی حق از بین بردن آن و نابودی کامل آن را ندارد و همچنان که از نسل قبل به نسل فعلی رسیده است، نسل فعلی نیز وظیفه دارد به آیندگان واگذار نماید در این زمینه روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که اموال موجود در زمین را امانت الهی و متعلق به همه نسل‌ها دانسته است و مقرر می‌دارد که باید به میزان نیاز از آن‌ها استفاده شود تا حقوق نسل‌های آینده نیز حفظ گردد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «آیا می‌پنداری که وقتی خداوند به کسی مالی می‌دهد، به سبب بزرگواری اوست؟! و اگر کسی را از مال محروم می‌کند به سبب خواری او نزد خداست؟! هرگز! اموال از آن خداست و آن را نزد مردم به عنوان امانت می‌گذارد و اجازه می‌دهد که از روی اعتدال از آن بخورد، مابقی را به نیازمندان مؤمن بدهد و شکاف‌های زندگی ایشان را پر کند و اگر چنین کند، آنچه که می‌خورد و می‌آشامد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، حلال است و اگر از اندازه تجاوز نماید، همه تصرفاتی که کرده حرام است. سپس فرمودند: اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۰۰).

تطبیق این حدیث با موضوع مورد بحث، چنین است که اگر خداوند متعال، استفاده از ذخایر طبیعی را برای نسل حاضر ممکن ساخته، به این دلیل نیست که نسل حاضر کرامت و شایستگی خاصی داشته که

خداوند این نعمت‌های الهی را به آن‌ها اعطا نموده است؛ و یا اگر نسل‌های آینده امکان بهره‌برداری از ذخایر طبیعی را ندارند، به سبب خواری و ذلیل بودن نسل آینده نیست که از این نعمت الهی محروم شده‌اند، بلکه این ذخائر، امانت الهی نزد انسان هستند. بشر نیز بر حسب شرعی، جهت حلال بودن انتفاع خود، وظیفه دارد بدون هرگونه اسراف و تبذیر، از آن‌ها بهره‌برداری نماید. هرچند ممکن است افرادی قائل بر این باشند که حدیث مذکور ناظر به افراد درون یک نسل است؛ بدین معنا که اگر افرادی در یک نسل از تمکن مالی فراوانی برخوردار هستند، به سبب بزرگواری آن‌ها در نزد خدا نیست، و یا اگر در مقابل افرادی از اموال و نعمت‌های الهی محروم هستند، به سبب خواری آن‌ها در نزد خدا نیست، اما به نظر می‌رسد با وحدت مناط از حدیث مذکور می‌توان مفاد آن را علاوه بر «درون نسلی» به «بین نسلی» نیز سرایت داد. علاوه بر آن، عباراتی مانند «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ» ناظر به نسل‌های آینده است و اموالی که از آن خداوند است، اختصاص به یک نسل ندارد؛ بلکه خداوند نعمت‌هایش را بر همه مردم در هر عصری نازل می‌کند و بدین صورت نیست که نعمت‌هایش را به یک نسل خاصی اعطا نموده و نسل دیگر را از آن محروم کند (مؤمنی‌راد و افتخاری، ۱۳۹۴، ص ۸۵). همچنین منظور از «عِنْدَ الرَّجُلِ»، مردم است که به دلیل مطلق بودن، به تمام نسل‌ها دلالت دارد و واژه «دائع» نیز بر این دلالت دارد که اموال، نزد نسل فعلی امانت است و لازم است امانت‌داری کنند و امانت را به صاحبان آن - که نسل آینده است - تحویل دهند و صرفاً به آن‌ها اجازه داده شده تا از روی اعتدال و به اندازه کافی بهره‌برداری کنند و اگر در استفاده از میزان نیاز تجاوز نمایند، تصرفات آن‌ها حرام است (همان).

د) آیه ۲۵ سوره حدید: آیه دیگری که دلالت بر ذخایر طبیعی به طور خاص دارد، آیه ۲۵ سوره حدید است که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (حدید: ۲۷)؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافع برای مردم است.

برخی از ذخایر طبیعی، به دلیل داشتن ویژگی خاص، دارای منافع عمومی برای همه مردم است و در آیه مذکور، آهن دارای چنین خصوصیتی است و به عنوان یکی از منافع عمومی معرفی شده است و چه بسا بتوان با تنقیح مناط، بقیه ذخایر و منافع عمومی را نیز تحت این آیه شریفه دانست. عبارت «نازل کردن آهن» اشاره به انزال آن از خزائن الهی و از عالم غیب به عالم شهود دارد و منافع آهن برای مردم نیز به سبب تأثیری که در تمام شعب زندگی و صنایع مرتبط به آن دارد، از توضیح بی‌نیاز است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۱۷۲). از روایاتی که درباره اراضی مفتوحة العنوة، یعنی زمین‌هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان درآمده، وارد شده است، می‌توان بر تأکید اسلام به حقوق نسل‌های آینده پی برد. برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره زمین‌های عراق سؤال شد. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «هُوَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ لِمَنْ هُوَ الْيَوْمَ وَلِمَنْ يَدْخُلُ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْيَوْمِ وَلِمَنْ لَمْ يُخْلَقْ بَعْدُ»؛ این زمین‌ها از آن همه مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمان هستند و کسانی که پس از این داخل اسلام می‌شوند و نیز کسانی که هنوز آفریده نشده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲۷، ص ۱۴۷).

در این روایت، صراحتاً به حقوق نسل‌های آینده اشاره و بیان شده است که همهٔ مسلمان‌ها حق استفاده از این زمین‌ها را دارند، هرچند که هنوز به دنیا نیامده باشند. به عبارت دیگر، تأکید بر عنوان «مسلمین» است؛ اعم از آن‌هایی که موجودند یا در آینده به دنیا می‌آیند. یعنی مانند قضایای حقیقی است که در آن فرض وجود نشده است؛ بلکه هر وقت چیزی موجود شد، حکم بر آن بار می‌شود، مثل «اکرم العلماء»، که هر وقت عالمی ظاهر شد، باید او را اکرام نمود؛ در نتیجه، این اراضی نیز متعلق به همهٔ مسلمین است (مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۷۸). بنابراین از حدیث فوق چنین استنتاج می‌گردد که نسل‌های بعدی نیز مانند نسل فعلی در استفاده از زمین‌های مفتوحة‌العنوة سهیم هستند و نسل فعلی نباید سهم آنان را نادیده بگیرند. همچنین حکومت نیز در تصمیمات اقتصادی وظیفه دارد حقوق نسل‌های آینده را لحاظ و از اتخاذ سیاست‌هایی که منجر به تضییع حقوق آنان می‌شود، اجتناب نمایند.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «خداوند هیچ قسمی از اموال را بدون تقسیم رها نکرده است و حق هر ذی‌حقی را اعطا فرموده است؛ خاصه، عامه، فقراء، مساکین و هر گروه از مردم. سپس فرمود: «اگر میان مردم عدالت برقرار شود، بی‌نیاز می‌گردند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۲).

روایت فوق ملاک و معیاری برای عدالت به دست می‌دهد که عبارت است از بی‌نیاز شدن مردم. مفهوم ملاک این است که اگر مردم نیازمند بودند، می‌توان چنین دریافت که عدالت میان ایشان اجرا نشده است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۵۲۲).

وجه استدلال به حدیث مذکور این است که اولاً، حدیث مذکور به شکل قضیهٔ حقیقیه بیان شده است و شامل موجودین و معدومین می‌شود. ثانیاً، واژه‌هایی در این حدیث وجود دارد که ناظر به نسل‌های آینده است، مانند «أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ». ذی حق، به صاحبان حق اشاره دارد و منظور از صاحبان حق، کسانی هستند که حق استفاده از اموال را دارند. همچنین در روایت بر عنوان «صاحب حق» تأکید شده است که به شکل قضیهٔ حقیقیه وارد شده و هر زمان صاحب حق موجود شد حکم بر آن لحاظ می‌شود؛ بنابراین نسل‌های آینده نیز سهمی از این اموال دارند. در نتیجه، روایت فوق، شامل کلیهٔ صاحبان حق اعم از نسل فعلی و نسل آینده می‌شود و لازم است حق نسل‌های آینده به آن‌ها اعطا گردد. اگرچه نسل آینده در حال حاضر وجود ندارد، اما بر اساس شریعت الهی حقی برای آن‌ها مقرر شده است و نسل آینده با نسل فعلی در استفاده از این حقوق شریک‌اند (منتظری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴). ثالثاً، در عبارت «كُلُّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ» واژه «ناس» به معنای مردم که به طور مطلق نیز بیان شده، موضوعیت دارد. بنابراین شامل مردم نسل فعلی و نسل آینده می‌شود، با این تفاوت که حق مردم نسل آینده، هر زمان که موجود شدند، باید به آن‌ها اعطا گردد. رابعاً، عبارت «لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ» به این معناست که اگر بین مردم به عدالت رفتار شود بی‌نیاز می‌شوند. رفتار با عدالت با مردم نیز اختصاص به عصر ائمه علیهم السلام ندارد؛ مگر قرینه‌ای در بین باشد که اشاره به موضوع خاص یا زمان و مکان خاصی دلالت نماید و این قرینه در عبارت «مَا نَحْنُ فِيهِ» مفقود است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان گردید، احکام الهی بین موجودین و معدومین مشترک است و زمانی که آیندگان تکلیف داشته باشند

به تبع آن دارای حقوقی نیز هستند. همچنین رویکرد غالب در احادیث نیز، بیان آن به صورت قضایای حقیقی است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۷۸).

بر اساس روایت فوق خداوند متعال، حق هر ذی‌حقی اعم از خاصه، عامه، فقرا و مساکین را اعطا نموده است و هر گروه از مردم اعم از نسل فعلی و نسل آینده حق استفاده از آن را دارند، لکن نسل فعلی که در استفاده از آن به سبب موجود بودن اولویت دارند، مکلف‌اند در استفاده از مواهب خدادادی عدالت را رعایت نمایند و چنانچه نسل آینده از برخی از نعمت‌های الهی محروم شوند، دلیل بر عدم رعایت عدالت نسل فعلی در چگونگی بهره‌برداری از این منابع است. در نتیجه علت نیازمندی نسل‌های آینده، ناعادلانه بودن رفتار نسل فعلی است. بنابراین، بر اساس قاعده عدالت، نسل فعلی وظیفه دارد حقوق نسل‌های آینده را رعایت نماید. همچنین، این برداشت نیز متصور است که خطاب روایات فوق متوجه مسئولین حکومتی باشد؛ به این معنا که حکومت وظیفه دارد جهت ایفای حقوق نسل‌های آینده، میان مردم به عدالت رفتار نماید.

۶- وجه استدلال به آیات قرآن کریم

وجه استدلال به آیات مذکور بدین صورت است:

اولاً، آیات مذکور، به صورت قضایای حقیقی بیان شده‌اند و همان‌طور که در تعریف آن ذکر گردید، موضوع قضیه حقیقی، مطلق افراد طبیعت است و شامل موجودین و معدومین می‌شود و فقها نیز معتقدند غالب احکام شرعی و آیات قرآن کریم به صورت قضیه حقیقی وارد شده‌اند (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۳).

ثانیاً، خطابات قرآنی در این آیات به صورت کلی بیان شده و متوجه عموم مخاطبان است. خطاب واحد اما مخاطب متعدد است، مانند الفاظ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ» و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» که شامل کلیه افراد اعم از موجودین و معدومین می‌شود و اختصاص به شخص یا گروهی خاص ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۱). در واقع شارع مقدس در این موارد در مقام جعل قانون برای کلیه مکلفین است و خطاب واحد، قانونی است که به عنوان کلی و عام تعلق یافته و لاجرم بر همه افراد قابل انطباق و نسبت به همه مکلفین اعم از موجودین و معدومین حجت است (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۲۸). همچنین، مانند قوانین بشری است که توسط قانون‌گذار به تصویب می‌رسد و تبعیت از آن برای مردم آن منطقه لازم‌الاجرا است؛ اعم از اینکه در زمان تصویب آن قانون موجود بوده‌اند یا در آینده به دنیا بیایند که شامل آنان نیز می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت که این آیات در مقام بیان احکام و وظیفه مکلفین و جعل قانون برای کلیه مکلفین است.

ثالثاً، «الف» و «لام» به کاررفته در واژه‌های «ناس» و «انام» از ادات عموم استغراقی هستند که افاده عموم می‌کنند و دلالت بر تعمیم حکم بر همه افرادش اعم از موجودین و معدومین دارد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۵۳).

رابعاً، به کارگیری تعبیری مانند «لکم»، «للالنام» و «الناس» در آیات مذکور، بیانگر این حقیقت است که مواهب طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جغرافیایی و نژادی جوامع مختلف، برای تمام انسان‌هاست. گویی رسالت این موجودات آن است که در خدمت انسان باشند. از این روست که تعالیم

اسلام و نیز دستورات فقهی، همسو با تعمیم حق بهره‌گیری از مواهب طبیعت، برای همه افراد جامعه تنظیم و تدوین گردیده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۲۷۳-۲۷۴). بنابراین آیات مذکور علاوه بر نسل فعلی (موجودین)، دلالت بر نسل آینده (معدومین) هم دارد. همان‌گونه که احکام الهی و خطابات قانونی شامل موجودین و معدومین می‌شود، استفاده از مواهب طبق آیات مذکور نیز شامل نسل فعلی و نسل آینده می‌شود. نمی‌توان قائل بود که التزام به احکام الهی برای نسل آینده ثابت است اما در مقابل، حق استفاده آن‌ها از مواهب طبیعی را نادیده انگاشت؛ زیرا هرگاه برای انسان تکلیفی نسبت به امری پدید آید، در مقابل آن تکلیف، حقی نیز وجود خواهد داشت و اگر سخنی از «حق» بیان می‌شود، در مقابل «تکلیفی» نیز وجود دارد. از آنجا که اثبات هرگونه حقی برای اشخاص در جامعه، تکلیفی را نیز برای دیگران ایجاد می‌کند، نمی‌توان گفت که در جامعه همه دارای حقوق باشند اما افراد حاضر در آن، ملزم به رعایت حقوق یکدیگر نباشند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

نتیجه‌گیری

۱. پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی جایگاه حقوق نسل‌های آینده در قرآن و روایات پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که بر رعایت حقوق نسل‌های آینده تأکید دارند. این آیات، زمین و نعمت‌های الهی را برای همگان دانسته و نسل فعلی را در مقابل آن مسئول می‌شمارند. همان‌طور که احکام الهی برای آیندگان ثابت است و آنان را مکلف به اجرای آن می‌سازد، نعمت‌های خدادادی نیز به نسل‌های آینده تعلق دارد و مختص نسل فعلی نیست.

۲. شناسایی مؤکد این حقوق در قرآن کریم و قوانین موجود الهام‌بخش این باور است که منابع طبیعی به یک نسل خاص تعلق ندارد و طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به تمامی انسان‌ها و نسل‌ها هستند و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده‌اند.

۳. روایات فراوانی وجود دارد که ناظر بر رعایت حقوق نسل‌های آینده است. برخی از این روایات در خصوص بهره‌گیری از ذخایر طبیعی نهفته در زمین مانند معدن، طلا، مس و... است؛ برخی در خصوص امانت بودن اموال در دست مردم و جلوگیری از اسراف است و برخی از روایات نیز در خصوص انفال و اراضی مفتوحة‌العنوة است که صراحتاً به حقوق نسل‌های آینده اشاره دارد. بنابراین روایات وارده، زمین و نعمت‌های الهی را برای همگان دانسته، نسل فعلی را در مقابل آن مسئول می‌داند و همچنان که احکام الهی بر آیندگان ثابت است و مکلف به اجرای آن هستند، نعمت‌های خدادادی نیز به آنان تعلق دارد و مختص نسل فعلی نیست.

۴. هیچ دلیلی مبنی بر تعلق منابع طبیعی به نسل فعلی و برتری آن‌ها بر نسل‌های آینده وجود ندارد. نسل کنونی به همان اندازه که حق بهره‌برداری و استفاده از این مواهب را دارد، در برابر حفاظت از این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده نیز مسئول است و به‌عنوان جانشین خداوند، باید این امانت الهی را به آیندگان

بسپارد. این فرآیند نه تنها موجب همبستگی میان نسل‌ها می‌شود، بلکه ضامن توسعه پایدار و بهره‌مندی عادلانه همه نسل‌ها از منابع طبیعی است.

۵. عدم رعایت حقوق نسل‌های آینده، نه تنها ظلم به آیندگان محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند منجر به بحران‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی شود که بقای نسل‌های آینده را تهدید می‌کند. بنابراین، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و تک‌تک افراد جامعه باید در راستای حفظ این حقوق گام بردارند. توصیه می‌شود که در پژوهش‌های آتی، به بررسی سازوکارهای قانونی و اجرایی برای حمایت از حقوق نسل‌های آینده در سطح ملی و بین‌المللی پرداخته شود. همچنین، ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری در قبال نسل‌های آینده از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی، می‌تواند نقش مهمی در تحقق این حقوق ایفا کند. هر نسلی باید در تعامل با طبیعت و منابع، انصاف را با نسل بعدی رعایت نماید تا آینده‌ای روشن و پایدار برای همه تضمین شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۸ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۳. انصاری، مرتضی (۱۳۷۵). مکاسب، قم: مطبعة اطلاعات.
۴. بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية، قم: نشر الهادی.
۵. تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶). کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). حق و تکلیف در اسلام، قم: نشر اسراء.
۷. _____ (۱۳۸۱). فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه، قم: آل البيت.
۹. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). الحیاة، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). بیانات در دیدار مسئولان و فعالان محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز، مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷، وبسایت www.Khamenei.ir، مشاهده شده در تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴.
۱۱. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق). أنوار الهدایة فی تعلیقة علی الکفایة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. _____ (۱۳۸۸). کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. _____ (۱۴۲۰ق). معتمد الأصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). محاضرات فی أصول الفقه، قم: مؤسسه إحياء آثار آیت الله خویی.
۱۵. _____ (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهة، قم: انصاریان.
۱۶. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۴۰۰). کلیات حقوق اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. رازی، محمد بن ابی بکر (۱۹۸۱). مختار الصحاح، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: الدار الشامیة.
۱۹. ساکت، محمد حسن (۱۳۷۱). حقوق شناسی، مشهد: نشر ثالث.
۲۰. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). تهذیب الأصول (تقریرات ابحات آیت الله العظمی سید روح الله خمینی علیه السلام)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، نشر عروج.
۲۱. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). تحقیق: صبحی صالح، قم: دار الهجرة.
۲۲. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۶ق). دروس فی علم الأصول، بیروت: دار الکتب اللبنانی، مکتبة المدرسة.
۲۳. طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶). مجمع البحرین فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۷). مجمع البحرین، تهران: مکتب النشر الثقافة الإسلامية.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۷. طیب، سید ابوالحسن (۱۳۸۶). أطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه سبطین.

۲۸. عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ق). التبیان فی إعراب القرآن، ریاض: بیت الأفكار الدولية.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۳۰. _____ (۱۴۴۲ق). کتاب الطهارة (تقریرات ابحات آیت الله العظمی سیدروح الله خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، نشر عروج.
۳۱. فیومی، احمد بن مقری (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۶). اصول کافی، قم: اسوه.
۳۳. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). فعالان حقوقی، تهران: دانشگاه تهران.
۳۴. گروه پژوهش مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۳۵. مؤمنی‌راد، احمد؛ افتخاری، مرضیه (۱۳۹۴). «حق بشر بر منابع طبیعی، با تأکید بر رعایت عدالت بین‌النسلی در بهره‌برداری منابع نفت و گاز»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۸، صص ۸۱-۹۳.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۷. مدکور، محمد سلام (۱۹۶۴). المدخل للفقہ الإسلامی، قاهره: دار التوحید.
۳۸. مراغی، احمد مصطفی (۱۴۰۴ق). تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مجموعه آثار، قم: صدرا.
۴۰. معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ معین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الإسلامية.
۴۲. منتظری، حسینعلی (۱۳۹۴). رساله الحقوق فی الإسلام، قم: سرایی.
۴۳. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۰۶ق). تهذیب الأصول، بیروت: الدار الإسلامية.
۴۴. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶). فوائد الأصول، قم: مؤسسة النشر الإسلامية.
۴۵. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۶. هوفه، آلفرید (۱۳۸۸). برداشت‌های فلسفی درباره عدالت، تهران: اختران.
۴۷. یزدی، سید محمد کاظم (۲۰۱۲). حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری - کتاب بیع، لبنان: دار المصطفی، احیاء تراث.